وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويكردهايش

وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويكردهايش

دكتر علي رمضان الاوسي

استاد تحصيلات تكميلي دانشگاه جهاني علوم اسلامي لندن

وحدت اسلامي در چارچوبهاي تفسير و رويكردهايش

با نزول قرآن كريم نياز به تبيين و توضيح آن به وجود آمد و پيامبر صلي ا عليه و آله به عنوان اولين معلم در اين امر خطير بود و خداوند منزه در آيه‌اي به آن اشاره كرده است:

(وانزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزّل اليهم ولعلهم يتفكرون) : (اين قرآن را به سوي تو فرود آورديم، تا براي مردم آنچه را به سوي ايشان نازل شده است توضيح دهي)

پيامبر خدا (صلي ا عليه و آله) به تبيين كل قرآن پرداخت به عبارت ديگر براي مردم آياتي را كه نياز به تفسير آن داشتند، تفسير مي‌كرد و زماني كه مسلمانان از او سوالي مي‌كردند پاسخ مي‌داد، و

همراه با آن آيات را براي گروه خاصي از مردم به تفضيل بيان مي‌كرد، بنابراين آيه‌اي از آيه‌هاي قران نبود جز اينكه پيامبر (صلي ا و عليه) به تشريح آن پرداخت و بدون آن قرآن براي مردم حجت نمي‌شد.

اين تحقيق به دو بخش تقسيم شده است:

1.چارچوبها و روشهاي تفسير

2. قرآنيان و نقش آنها در گسترش فرهنگ تقريبي قرآني

بخش اول: تفسير مأثور اولين نوع تفسيري بود كه ظهور كرد و شامل تفسير بعضي از آيات خود قرآن براي بعضي ديگر و آنچه كه از رسول صلي ا عليه و آله و اهل بيت و صحابه و همچنين تابعين نقل شده است، مي‌باشد.

درباره آنچه كه از صحابه و تابعين نقل شده است اختلاف نظر وجود دارد، بعضي آنها را در شمار تفسير مأثور مي‌آورند و بعضي ديگر آنها را در شمار تفسير به راي مي‌دانند و گروهي در تفسير به گفته تابعين استناد مي‌كنند زيرا تابعين بيشتر تفسيراتشان را از صحابه دريافت كرده‌اند. در اين ميان ابن تيميه با گفته‌هاي تابعين مخالفت مي‌ورزد و مي‌گويد: بي ترديد اين سخنان براي مخالفان حجت نيست، اما اگر بر چيزي اجماع كردند قطعا حجت است، و اگر اختلاف كردند گفته بعضي بر بعضي ديگر و بعد از آنها حجت به حساب نمي‌آيد و بايد درباره آن به زبان قرآن يا سنت يا زبان عمومي عرب يا گفته‌هاي صحابه مراجعه كرد.

جامع البيان طبري به عنوان بهترين تفسير مأثور نزد مفسراني بود كه به تفسير نقلي اهتمام مي‌ورزيدند، از اين رو امتيازي كه طبري بر مفسران اثري دارد، اين است كه سخنان را به طور پيوسته و سلسله وار به صاحبانش اسناد مي‌دهد و بر روايت رسول(ص) و صحابه و تابعين تكيه دارد.

با وجود اينكه سيوطي در در تفسيرش (الدرّ المنثور) سند آثار را حذف كرده است اما با تلاشي كه او در زمينه تفسير مأثور كرده است به عنوان احيا كننده تفسير مأثور به شمار مي‌رود، پس از اينكه تفسير به رأي با مطالعه فرهنگهاي مفسران رونق گرفت و از مترجمان متفكر تاثير پذيرفت.

قابل ذكر است كه برخي از مفسرين نقل قصه‌هاي نبوي و قصه‌هاي امت‌هاي گذشته را گسترش دادند و درباره آنها به اهل كتاب استناد مي‌كنند زيرا قرآن كريم زيباترين كلمات را درباره آنها گفته است، و هدفش از بيان آنها آگاهي و عبرت گرفتن از سنت الهي در جامعه انساني است. خداوند متعال در قران فرمود: (وَكُلاًّ نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاء الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَي لِلْمُؤْمِنِينَ)([1]): (هر سرگذشتي از سرگذشتهاي رسولان، آنچه را كه دلت را با آن استوار كنيم، براي تو باز مي‌گوييم و در اين سوره حق كامل و پند و تذكاري ويژه اهل ايمان بر تو آمد).

ابن خلدون به توجيه اين روايتها به اين اعتبار كه ديني و اجتماعي بودند مي‌پردازد، در آن زمان بر جهان عرب صحرانشيني و بي سوادي حاكم بود و علاقه مند به شناخت چيزي بودند كه آنها را به شوق بياورد، مانند جستجو در علت وجود، آغاز خلقت، اسرار وجود، و آنها در اين مورد فقط از اهل كتابي كه قبل از آنها بودند سوال مي‌كردند، از نظر اعتبار ديني اين منقولات ارتباطي به عقيده و احكام ندارد و مفسران درباره آنها مسامحه كرده‌اند و تفاسيرشان را از نقل قولهاي عامه اهل تورات انباشته‌اند. و از جمله كساني كه در اين باره به تفصيل پرداخته است احمد بن محمد ابراهيم ثعالبي نيشابوري(ت 427 هـ) در كتابش (التفسير الكبير) است.

اما از نظر اماميه مأثور شرح و بياني است كه در قرآن كريم آمده و از رسول اكرم ص و امامان اهل بيت نقل شده است، شيخ ابو جعفر طوسي(ت 460 هـ) گفت: پيامبر(ص) بر قرائت قرآن و تمسک گرفتن به آنچه كه در آن است تشويق كرد، و اختلاف نظراتي را كه در فروع آن وجود دارد پاسخ داد. و افزود: اصحاب ما يعني اماميه گفته‌اند كه تفسير قرآن فقط با تاثير صحيح از پيامبر صلي ا عليه و آله و ائمه (عليهم السلام) جايز است، كساني كه گفته شان چون پيامبر(ص) حجت است. و آن به سبب وصيتي است كه پيامبر(ص) درباره آنها كرده است و به تواتر نقل شده است: (إني تارك فيكم ما إن تمسّكتُم بهما لن تضلوا بعدي أبداً: كتاب ا وعترتي أهل بيتي، وانهما لن يفترقا، حتي يردا عليّ َ الحوض)

اما آنچه كه از صحابه و تابعين نقل شده است به ذات خود حجت نيست. از تفاسير اماميه اثريه مي‌توان (تفسير محمد بن مسعود عياشي) و (تفسير فرات بن ابراهيم كوفي) و (تفسير علي بن ابراهيم قمي) را نام برد.

تفسير ماثور با تاليف اسرائيليات(روايات يهود و مسيحيت) به ضعف گراييد همچنين حذف اسناد بعد از تفسير طبري در آن سهيم بود و آن سبب مختصر گويي بعضي از مفسران چون البغوي فراء(ت 510 هـ) و ابن

اثير (ت 774 هـ) و سيوطي (ت 911 هـ) شد، سيوطي در مقدمه كتابش (الدر المنثور) مي‌گويد: (وقتي كه كتاب ترجمان القرآن را كه تفسير مسند از پيامبر صلي ا‌ عليه و سلم و يارانش است در دو جلد تاليف كردم، هر چه را كه از تفسير اثري در آن وارد كرده بودم با استناد به كتابهايي بود كه در اين زمينه بود در تمامي آن احاديث قصور واختصاردر متن حديث بدون اسناد و تفصيل بود، از اين رو اين مختصر را از آنها به صورت مضمون اثري و مختصر استخراج كردم به عنوان منبعي كه از همه كتابهاي معتبر در آن تلخيص شده و آن را " الدر المنثور في التفسير بالمأثور" ناميدم.

بنابراين در مسير تفسير اثري مضامين بايد روايت شده و نظر مفسران گذشته لازم باشد و در منابعشان: خود قرآن، سنت معصوم، زبان، زمان و مناسبت نزول و امثال آن كه برخاسته از اثر و اندكي اجتهاد است، آشكار است.

تعريف تفسير به رأي: رأي در لغت بر عقيده و قياس و اجتهاد اطلاق مي‌شود و اهل قياس جزء اصحاب الرأي به شمار مي‌آمدند زيرا آنها نظرشان را عاري از حديث يا اثر ارائه مي‌كردند.

و منظور از آن در اينجا تفسير اجتهادي قرآن است. تفسير به رأي به عنوان يک روش تفسيري پس از تفسير اثري ظهور كرد، اگرچه تلاشهايي از سوي برخي از مسلمانان صورت گرفته كه نشان مي‌دهد آنها در تفسير از رأي استفاده كردند به خصوص اگر به بررسي يكي از منابع تفسيري در عصر صحابه، كه آغاز اجتهاد و استنباط بود، و عصر تابعين بپردازيم كه در گذشته بيان شد.

بعضي از محققان به بيشتر از آن اعتقاد دارند و مي‌گويند ممكن است در عصر نبوت نيز رواج داشته است، برخي از مسلمانان به طور فطري به قرآن روي آوردند و زماني كه ديدار پيامبر(ص) برايشان ميسر نمي‌شد نظر خود را در آن اعمال مي‌كردند، از اين رو در اين دوره كساني بودند كه قرآن را تفسير به رأي مي‌كردند.

ولي تفسير به عنوان يک علم و نياز با رسول خدا(ص) به وجود آمد و رواج يافت و پس از اينكه پيامبر به تبيين آن در ميان امت پرداخت تا حجتي بر مردم باشد، از ويژگي اثري برخوردار شد و از آنجا روشهاي تفسير گسترش يافت و راههاي آن با توجه به تاريخ اين علم، متنوع شد. بنابراين تمام انگيزه‌ها و شرايطي كه پيدايش اين علم را مي‌طلبيد حاكي از اين است كه پيامبر(ص) در پرتو اين نياز به تفسير قرآن پرداخت و حتي تفسير يک آيه از مسلمانان پوشيده نماند.

و اينچنين مسلمانان از روش پيامبر در بيان معاني قرآن كريم استفاده بردند و از علومش به ويژه در گرايشهاي اوليه تفسير، سيراب شدند، بعدها همراه با گسترش روشها و رويكردهاي تفسيري دانشمندان قرآن ضوابط و شروطي را براي مفسران تنظيم كردند تا امامت قرآني در بيان معاني قرآن كريم متصل به امامت پيامبر و عصمت مطهر باشد.

با توجه به اين شاخصها، به طور خلاصه مي‌توان گفت كه فرصتهاي نزديكي و وحدت بر تفسير اين قرآن جاويد حاكم و غالب است و كسي كه از آن تجاوز كند بايد براي ادعاي خود دليلي بياورد.

بر اساس اين تاكيد آشكار بايد به اصل وحدت و اختلاف توجه شود تا فعاليتهاي تقريبي و تلاشهاي وحدت اسلامي در انجام واجبات اين امت عمل كند به ويژه از جهت چالشهاي بزرگي كه بدون استثنا موجوديت اين دين و همه مسلمانان را تهديد مي‌كند و اجتهادات در چارچوب احترام و تقديس امت نيكوكار باقي بماند.

چارچوبها و رويكردها:

روش: مجموعه اصول و قواعدي است كه مبتني بر واكاوي نص قرآني و تبيين معنايش و معرفي نتايجش مي‌باشد.

رويكرد: مجموعه دستاوردها و نتايج تفسيري است كه از طريق روش به وجود مي‌آيد.

اين روشها و رويكردها با پيدايش تفسير عقلي يا تفسير به رأي و تفسيري كه از جهتي تفسير مأثور و از جهتي ديگر مبتني بر قواعد و اصول عقلي با استفاده از روش تدبر قرآني است. خداوند در قران به آن اشاره كرده است: (أفلا يتدبرون القرآن أم علي قلوب أقفالها): (آيا در قرآن تدبر نمي‌كنند يا اينكه بر دلهايشان قفلهايي است)

در اين فراواني روشها و رويكردهاي تفسيري مشكلي وجود ندارد تا زماني كه نص قرآني مايه رحمت و پاسخگوي سوالات و شبهات و مدافع وحدانيتي است كه خداوند براي انسانها در اين هستي گسترده اراده كرده است.

امت اسلامي اخيرا با مشكلات بزرگي در زمينه اعتقادي و فكري و رفتاري مواجه شده است كه دين را در بعضي از عرصه‌ها به دليل كوتاهي و قصور مدافعانش مي‌لرزاند، با وجود آن مفاد قرآني چون سواركار شجاعي است كه هر زماني كه از استنطاق شود پاسخ مي‌دهد، و مشكل عمده در قرائت و بررسي و تفسير آن وجود دارد كه سبب برانگيختن بسياري از اختلافات شده است ولي محتوا يكي است كه از جانب خداوند يكتا براي ايجاد اعتقاد واحد و شكل گيري امت واحد نازل شده است بنابراين چطور به خودمان اجازه مي‌دهيم كه از اين وحدت به عنوان هدف والا در قرآني كه همه پژوهشگران براي واكاوي و تعامل با آن جمع شده‌اند، روي گردان شويم، در اينجا به برخي از ضروريات موجود در قرآن درباره اتحاد و نزديكي ميان مسلمانان، در قالب نكته‌هايي اشاره مي‌كنيم:

1. قرآن منبع رحمت است، وقتي كه مفسران با محتواي گرانقدرش مواجه مي‌شوند، همگان با پذيرش آن به تامل در آن و تفسير آياتش مي‌پردازند سپس آن را در اجتماع منتشر مي‌كنند، همه قاريان قرآن بدون هيچ تبعيضي از كرامتهاي قرآن برخوردار مي‌شوند به عبارت ديگر هركس كه قرآن را تلاوت كند قطعا از مضمون آن و معاني اش سود مي‌برد و اين وجه مشترک موثري براي كساني است كه آن را تفسير و تبيين مي‌كنند.

2. نيازهاي مردم مدرن با همه خصايصشان انگيزه ديگري است كه سبب واكاوي قرآن كريم و استنباط احكامش و ديدگاههايش مي‌شود زيرا قرآن به عنوان اولين منبع قانون است.

3. در برابر مشكلاتي كه دشمنان از طريق شبهات و وارونه كردن حقايق و گمراه ساختن افكار و نشانه گرفتن فكر مسلمان وارد مي‌سازند، مفسران تنها راه مقابله و خنثي كردن اين مشكلات را قرآن كريم و استدلال به آن مي‌دانند و اين زمينه ديگري است كه سبب وحدت مي‌شود حتي اگر روشهاي تفسير متعدد باشد.

4. از جعل قرآن كريم به عنوان اولين منبع قانون جلوگيري شد و زماني كه قانونها در كشورهاي اسلامي وضع شد، مسلمانان تلاش كردند كه يک روش را بعد از آمدن كتاب خداوند داشته باشند و براي هدف واحدي كه بالا بردن نقش قرآن در قانون كشورهاي اسلامي صرف نظر از گرايشهاي مذهبي در مكانهاي مختلف بود، بكوشند.

5. كتابي كه همه مسلمانان بر آن اجماع دارند قرآن كريم است و اين جايگاه آنها را در جان مردم و تاثيرش را در عقول و نقش اش را در شكل گيري انسان و جامعه افزايش مي‌دهد، بنابراين مسلمانها در

امر معيني با يكديگر متفق‌اند و اين اشتراک قرآني ديگري است كه پيرامون آن روشها و راهكارهاي تفسيري به وجود آمده است.

6. تنوع فكري گسترده در قرآن كريم سبب جذب بيشترين تعداد ممكن از پژوهشگران در اين عرصه شد، قرآن كريم سبب ساماندهي تلاشهاي فكري شان مي‌شود و آنها را در مسير وحدت و نزديكي به يكديگر هدايت مي‌كند و اين انگيزه ديگري است كه افكار را، از جهت اشتراک در منبعي كه به آن متكي‌اند، به هم نزديک مي‌كند.

بنابراين قرآن كريم بر ساماندهي افكار و پيراستگي اخلاق و شكل گيري جامعه تجميع شده است و كسي كه بخواهد در اين عرصه‌ها وارد شود بايد از سفره قرآن كريم بهره بگيرد، به واكاوي در مفاهيم گرانقدرش بپردازد و در تبيين آن از روشهاي تفسيري استفاده كند و اين وجه مشترک ديگري است كه بر آن متفقيم، ممكن است كسي روشي را در تفسير به كار گيرد و ديگري روش ديگري را اعم از تجزيئي يا موضوعي به كار بگيرد، و هر چه از ويژگي‌هاي لغوي يا كلامي يا فلسفي و غير آن بر تفسير غلبه كند همچنان همه مفسران را با يكديگر متحد نگه مي‌دارد.

بخش دوم: قرآنيان و تلاشهايشان در گسترش فرهنگ تقريبي قرآن

مقصود از قرآنيان:

ابتدا لازم مي‌آيد تا معنا و منظور از قرآنيون مشخص شود تا از آن اصطلاحي كه اخيرا درباره گروه قرآنيون در آمريكا به وجود آمده است، دوري شود. آنها كساني‌اند كه فقط بر قرآن كريم تكيه مي‌كنند و سنت را رها مي‌كنند و تفسيرهاي قرآني عجيبي دارند كه سبب انحراف روش تفكر قرآني مي‌شود.

و قطعا منظور از قرآنيون كساني‌اند كه به وظيفه اصلي خود كه انتشار فرهنگ قرآني با استفاده از نفوذ خودشان، و در عرصه‌هاي مختلف ميان مردم است عمل مي‌كنند و روح قرآني را در وجود و رفتار و فكر شان منتشر كنند و گرنه نمي‌توانند آنطور كه قرآن كه سخن خداوند مجيد است، خواسته است محتواي قرآني را نشان دهند.

بنابراين آنها كساني‌اند كه اهداف سخن قرآني را درک مي‌کنند و از روشهاي تفسير صحيح قرآن كريم بهره مي‌برند و سنت شريف را رها نمي‌کنند و از آنچه كه عالمان اوليه، كساني كه روشهاي تفسير قرآني را برايمان ترسيم كردند، كمک مي‌گرفتند، ياري مي‌جستند.

فرهنگ قرآني:

فرهنگ قرآني مجموعه معلومات و اطلاعات قرآني است كه با علم تفسير و علوم مختلف قرآني شكل مي‌گيرد و گرايشهاي تفسيري ايجاد مي‌كند، مانعي كه بتواند از اين دستاورد قرآني جلوگيري كند وجود ندارد و از طريق قواعد تفسير و ضوابطش گسترش مي‌يابد، نمي‌توان آنطوري كه توليدات بشري را توصيف مي‌كنند به توصيف معلومات قرآني به عنوان فرهنگي انساني پرداخت، زيرا از مضمون مقدسش به معاني و افكار و نكته‌هايي اشاره مي‌كند كه نمي‌توان آن را با تلاش مطلق بشري تطبيق داد. لذا نمي‌توان واژه فرهنگ قرآني را نام برد و منظور از آن همان معناي فرهنگي باشد كه در فعاليتهاي روزانه مان استعمال مي‌شود. بنابراين فرهنگ قرآني مجموعه مفاهيم و معلوماتي است كه شامل تأمل و بررسي علوم قرآني است.

چرا مسئوليت انتشار قرآن را به عهده مي‌گيريم:

1. اول اينكه قرآن كريم به ما دستور مي‌دهد كه به تبليغ ديني و تشريح مضمون قرآن بپردازيم.

خداوند منزه در قرآن فرمود: (هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو إله واحد وليذكر اولوا الالباب): (اين قرآن پيام روشني براي مردم است، و براي اينكه بدان انذار شوند و بدانند كه تنها او معبود يگانه است، و تا صاحبان خرد پند گيرند). (سورة ابراهيم: 52)

و آيات بسياري كه در تبليغ كتاب خداوند براي مردم اين اجبار را به وجود مي‌آورد.

2. از جهت ديگر خطرهايي جدي وجود دارد كه امت و انسان را با هم در معرض انحراف قرار مي‌دهد و سبب

نابودي ساختار اجتماعي جامعه مسلمان مي‌شود، در مقدمه اين تهديد‌ها هدفشان فكر مسلمان و گسترش فرهنگهاي غريب با واقعيت اسلامي است كه اين تلاش بيشتر را براي مواجهه با اين تهديدها از طريق تبليغ فرهنگ اصيل اسلامي و درک اصيل قرآني از انسان و واقعيت و رويدادهاي كلي و تحولات اجتماعي و سياسي و اقتصادي و فرهنگي و غير آن را مي‌طلبد.

3. جهان اسلام، به ويژه در دو قرن گذشته ميلادي، شاهد مبارزات فكري و حمله‌هاي انتقادي و تشويش تفكر اسلامي بوده است، و اين مبارزات روشهاي مختلفي به خود گرفته است، در اين راستا تبليغ مسيحيت نقش بزرگي و موثري در جوامع اسلامي داشته و به ترويج افكار ملحد و اباحي گري براي تضعيف نقش دين در جامعه مي‌پرداخت، در برابر اين خطرها علماي امت و دانشمندانشان مسئوليت واكنش با اين تهمتها و مبارزات تخريبي و حمله فرهنگي و سياسي را به عهده گرفتند و سلاح دانشمندان ما نص قرآني بود كه سبب بيداري آنها شد و بسياري از نقشه‌هاي دشمنان خنثي شد تا جايي كه غلادستون گفت: (تا وقتي كه اين قرآن در اختيار مسلمانان باشد اروپا نمي‌تواند بر شرق مسلط شود و خودش هم در امان نيست)

4- قرآن كريم بهترين و بي نظيرترين سرمايه براي مسلمانان با مذهبهاي مختلف است و اين اشتراک بزرگ مي‌طلبد كه توجه بيشتري به مضمون قرآن و خود مسلمانان، كساني كه نقشه‌هاي تفرقه آميز و اختلاف در يک دين و يک مذهب آنها را نشانه مي‌گيرد، داشته باشيم، بنابراين هر كس بر اساس موقعيت و مسئوليت و علم و دانشش عهده دار اين مسئوليت خطير براي تبليغ نور رسالت محمدي شود، از اين رو عهده دار تبليغ قرآني مي‌شويم تا به هدفمان كه بازگرداندن جايگاه قرآن براي اين امت نيكوكار است دست يابيم و قرآن آنها را اينچنين وصف كرده است:

(كنتم خير امة أخرجت للناس): شما بهترين امتي بوديد كه براي مردم پديدار شديد.

انطباق روشهاي تفسير قرآني معاصر با واقعيت :

امروزه و در اين عصر جديد و در سايه تحولاتش نمي‌توان تفسير قرآن كريم را منحصر در تحقيقات آكادمي قرار دهيم يا روشهاي تفسيري معيني را كه به اطلاعات قرآني و نيازهاي فرد و جامعه مسلمان و حتي قانون در مسائل متغير و قابل انعطاف توجه نمي‌كند، اختيار كنيم.

لذا مفسران جديد به روش موضوعي در تفسير آگاهي يافتند و شهيد سيد محمد باقر صدر(رضوان ا عليه) از مشهورترين كساني بود كه اين نوع از تفسير را با وجود كم بودن نتايج تفسيري اش به عهده گرفت و به علت مرگ غير منتظره‌اي كه سراغش آمد به امت اسلامي اجازه نداد تا از اين منبع سرشار مستفيذ شوند و در نتيجه جهان اسلام بلكه تمام عالم انساني را از اين نعمت گرانقدر محروم كرد.

با وجود همه اينها ما در برابر مكتب جديد و تفكرات جديد در بررسي مفاد قرآني مواجهيم به طوري كه شهيد صدر از كساني كه قصد بررسي و استنطاق قرآن كريم را دارند دعوت مي‌كند كه اولاً: خود قرآن را بخوانند و به واكاوي آنچه كه در آن است بپردازند سپس نتايج آن را به قرآن كريم و به ويژه منابع قرآني مرتبط با موضوع معين عرضه كنند و سپس به تبيين آن بررسي براي ارجاع دوباره آن به مردم بپردازد.

اين روش موضوعي تفسير افقهاي گسترده‌اي براي ايجاد مطالعات قرآني در عنوانها و موضوعات مختلف فراهم مي‌كند از جمله اينكه مسلمانان را بر ايستادگي در برابر تحريكات دشمنان ياري مي‌كند، و اين نيازمند اين است كه ميان مفسران و مصلحان اتحادي ايجاد شود تا اين روش قرآني كه در رد شبهات و ايجاد نظريه‌هاي اسلامي از آن كمك مي‌گيرند سبب وحدت آنها شود.

وضعيت مقايسه‌اي :

روش موضوعي‌اي كه شهيد صدر(رضوان ا عليه) در پيش گرفته و آن را گسترش داده است داراي تفاوت آشكاري با ديگر مفسران است، اواز طريق اين روش موضوعي در تفسير به تبيين مطالعات قرآني مي‌پرداخت، روشي كه ديگر مفسران ان را به كار گرفته‌اند ولي نه به اين حد عميق و هدفمند، و درباره بررسي هايش درباره ثروت و مال بايد اشاره كنيم كه شهيد صدر توانست درباره دارايي انسان و ثروت عمومي پژوهشهاي اقتصادي آشكاري را انجام دهد در حالي كه تلاشهاي مكتب سيد جمال الدين در مصر و شاگردش رشيد رضا و محمد عبده در بررسي موضوع مال و ثروت شامل دو بعد است:

1.اهميت انفاق و تاثير اجتماعي اش

2. تاكيد بر بعد رواني و اخلاقي در مساله انفاق

اين كوشش با وجود اهميتش براي ارائه نظريه اقتصادي و اسلامي فراگير مناسب نبوده است در حالي شهيد صدر(رض) توانست مذهب اقتصادي اسلامي را تاسيس كند كه كه به نقد مكتب‌هاي اقتصادي بزرگ امروز بپردازد و كتابش با عنوان(اقتصادنا) و ديگر تحقيقاتش در همان موضوع به عنوان كشف مهمي براي اين نظريه‌هاي اصلي به شمار آيد، با وجود آن بايد اين راه براي پژوهشگران براي گسترش اين دستاوردهاي‌هاي با بركت باز باشد.

بنابراين اين رويكرد در تفسير نزد مكتب صدريه و مكتب سيد جمال الدين، هر دو، اثر بارزي در آنچه كه ما تفسير اجتماعي قرآن مي‌ناميم داشته است. و اين گام بزرگي براي تاسيس دايرة المعارف اجتماعي قرآني و به عنوان طرحي از طرحهاي وحدت و نزديكي است به ويژه زماني كه در تحقيق علمي و ارائه ديدگاه بر مشتركات و روش‌هاي مشتركي مبتني است.

اين نوع از تفسير در تلاشهاي مفسران بي سابقه نبوده و از اصول و قواعد تفسيري‌اي كه قرآن پژوهان به عهده گرفته‌اند منحرف نشده است، بيان اين نوع از تفسير كه ما در جهان معاصرمان بيشترين نياز به آن را داريم، توضيح مبسوطي را مي‌طلبد و ما در تحقيقهاي ديگر به بررسي آن مي‌پردازيم كه قسمتي از آن را در كنفرانس بزرگداشت شيخ محمد جواد بلاغي(ره) كه چندين سال پيش در قم برگزار شد، قرائت كردم.

دايرة المعارف قرآني و اجتماعي تقريب

اين دايرة المعارفي كه مي‌خواهم از آن سخن بگويم از مهمترين آثاري است كه مبلغان قرآن كريم و قرآن پژوهان به گسترش مفاهيم و شناخت آن توجه مي‌كنند.

منظور از دايرة المعارف اجتماعي: عبارت است از گردآوري علمي و اطلاعاتي از هر پژوهش قرآني در كتابهاي تفسير و مقالات و كنفرانسها و كتابها و تاليفاتي كه صاحبانش به جا مي‌گذارند كه اين كار نيازمند تلاشهاي فراواني براي معرفي آنها به منظور چاپ در دفتر قرآني است. به ويژه بررسيهايي كه از طريق استدلال قرآني به وحدت و تقريب مي‌پردازند.

اين دايرة المعارف براي كامل شدن به چه چيزهايي احتياج دارد؟

دفتر قرآني به اين دايرة المعارف اجتماعي تقريبي قرآن كريم نيازمند است و مي‌تواند با ويژگي‌هايي زير به موسسه‌اي كه برگزار مي‌شود طرحهايي را ارائه كند :

1.مطالعه موضوعاتي كه در زمينه تفسير و غير آن به طور قرآني برررسي شده است، به ويژه موضوعات داراي ويژگي تقريبي.

2. تقسيم بندي موضوعات، به طوري كه مقالات و تحقيقات متنوع و فراواني وجود دارد كه در آنها مسائل اجتماعي يا اقتصادي يا سياسي يا فرهنگي و غير آن از منظر انديشه قرآني برررسي شده است.

3. مرتب كردن اين موضوعات در چارچوب موضوعات و حروف ابجدي و اين دايرة المعارف براي سالهاي آينده باز بماند تا به ترتيب بخش هايش چاپ شود.

4. تلاش براي وارد كردن اين موضوعات در كامپيوتر از زمان آغاز كار.

5. بهتر است كه برخي از دانشجويان متخصص در امور اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فرهنگي براي نظارت بر اين بخشها فعاليت كنند.

اين دايرة المعارف بخش بزرگي از اين تلاش قرآني تقريبي سودمند با هدف انتشار آن در ميان مردم است و جاهاي خالي زيادي خواهيم يافت كه نيازمند اين است كه پر شود و به براي پر كردن اين جاهاي خالي به اصولي واقعي نياز داريم.

مسئوليتهاي آينده در انتظار قرآنيان براي انتشار فرهنگ قرآني تقريبي است:

1.با دقت در نسل جديد و ميزان تحملشان بر اين مسئوليت و محافظت از آنها در برابر مشكلاتي كه درباره اصول اين كتاب الهي در انتظارشان است و تلاش براي بد نشان دادن مفاد قرآني در افكار اين نسل، تلاشهاي صورت گرفته در مسير تاسيس مدارس حفظ و تجويد و قرائت قرآن كريم اهميت زيادي در نجات از اين بحران دارد، و همه آنها فعاليتهايي است كه در قالب تلاش تقريبي مسلمانان قرار دارد.

2. چالشها عليه قرآن كريم روشهاي پيچيده‌اي به خود گرفت تا جايي كه برخي به تلاشهاي مفسران قديمي توجهي نكردند، امت بايد از بند اين تفسيرها آزاد شود و اصولي را كه پژوهشگران در تفسير قرآن

كريم اعمال مي‌كنند انكار شود زيرا انواع مختلفي از نوگرايي، كفرگويي، بي ارزش كردن حقيقت و وارونه كردن عدالت ظهور كرده است مانند تفاسيري كه از محمد عيتاني وارد شده است كه در آنها قرآن را با روش مناظره و جدل تفسير كرده است و كوششهاي نصر حامد ابو زيد و شحرور سوري و جابر عصفور و غيره كه از جهتي به وحدت مسلمانان و نظريه اصيل قرآن كريم لطمه مي‌زند.

در اينجا تاكيد مي‌شود كه مسئوليت با كساني است كه در درک مضمون قرآني مهارت دارند كه اين فعاليتها را با روش علمي موثري تبليغ كنند و فرهنگ اصيل قرآني را كه از بررسي صحيح قرآني به وجود مي‌آيد گسترش دهند.

3. در كتابخانه مسيحيان كتابهايي منتشر شد كه بعضي از آنها بر تناقضات ظاهري ميان آيات قرآن تاكيد مي‌كنند و مفسران به تحليل آنها پرداخته‌اند ولي نتوانستند آنها را وارونه كنند و به اعجازيت قرآن كريم ضربه بزنند از اين رو كتابهايشان آكنده از طعنه‌ها و عيب شمردن اعجاز قرآني است، كه براي مقابله با آنها فرصتهاي فراواني براي فعاليت مشترک در زمينه تحقيق علمي نياز است.

4. بسياري از مفسران در اينجا و مكانهاي ديگر با برخي از مريدانشان جلساتي را برگزار مي‌كنند تا نظريه‌هاي خود را بر قرآن كريم تحميل كنند و مباني روشن معلومات قرآني و سنت شريف را از قبيل عصمت و شفاعت و امامت و غير آنها ريشه كن كنند و نظريه‌هاي شاذي را گرد آوري و آنها را با روشهاي جديدي كه سبب تناقض و مشكل نزد خوانندگان و شنوندگانشان مي‌شود ارائه مي‌كنند. و همچنين زمينه‌هاي ايجاد شبهه و بدنامي و تهمت را به وجود آورده‌اند تا در درجه اول فكر مسلمان را مورد هدف قرار دهند، اينها اقداماتي است كه نمي‌توان در برابر آنها سكوت كرد و به همفكري و طراحي روشهاي موثري در برابر اين ادعاهاي پوچ نيازمند است.

5. كساني‌اند كه به حذف يا تغيير بعضي از روايت‌هاي وارد شده در منابع اهل سنت درباره اهل بيت(ع) مي‌پردازند تا آن كتابها و منابع را بدون روايتهاي پيامبر(ص) درباره اهل بيت سلام ا عليها چاپ كنند.

در اين راستا سايتهاي الكتروني براي فراگيران علم راه اندازي شد و افراطيون در آنها به ارائه واقعيتهاي تاريخي به شكلي وارونه پرداختند چون حادثه غدير و جريان سقيفة و وتفسير غلط حديث(فاطمة بضعة مني من آذاها فقد آذاني): (فاطمه پاره تن من است هر كس كه او را آزار دهد گويي مرا آزار داده است) با ادعاي اينكه حضرت علي(ع) نهي شده بود كه با كسي جز فاطمة (س) ازدواج نكند و غيره.

در اينجا نقش قرآنيون در اصلاح اين مسير با شفاف سازي تحقيقات علمي اهميت مي‌يابد، از آنجايي كه اين ادعاها و اقدامات تحريفي منجر به نابودي واقعيت علمي مي‌شود و هر پژوهشگر ميانه رو و غير افراطي‌اي با آن مواجه خواهد شد، بايد در مقابل همچنين اقداماتي با روش علمي مقابله كرد.

6. سياستي كه از انتشار فرهنگ قرآني مكتب اهل بيت در بيشتر زمينه‌ها خودداري مي‌كند، و بيشتر از آن فعاليتهاي اندک صورت گرفته در راستاي مكاتب تفسيري وعدم تبليغ آنها به طور گسترده سبب شده است كه فضاهاي خالي موثري در فكر مسلمان ايجاد شود و لازم است كه اين جاهاي خالي با گسترش سايتهاي الكترونيكي سودمند و كتاب مفيد و فعاليتهاي سالم علمي پر شود، بي ترديد احياي مكاتب تفسيري اهل بيت به شكل گسترده‌اي در دفع شكاف ميان مذهبهاي اسلامي موثر است و بايد براي معرفي اين مكتب تلاشهاي واقعي شود تا همه توهمات و شبهاتي كه دشمنان در كمين آن هستند در مسير وحدت مسلمانان خنثي شود.

7. شبكه‌هاي ماهواره‌اي كه به ارائه فرهنگ قرآني مي‌پردازند از آنجايي كه ميليونها بشر را مخاطب قرار مي‌دهند، بايد از دقت علمي و اصلاحات و توجه و دقت و شفافيت بيشتري برخوردار باشند زيرا سبب شكل گيري تفكراتي در ميان مخاطبان مي‌شوند كه به تلاش بيشتر در جهت بيان واقعيت و اصلاح آن نياز است.

8. حمايت گسترده‌اي از تلاشهاي افراطيون در در مذاهب اسلامي براي تمركز بر موارد اختلاف و كمرنگ كردن موارد اشتراک به وجود آمده و در اين راستا هزينه‌هاي هنگفتي شده است و فعاليتهاي رسانه‌اي نيز در ماهواره‌ها و سايت‌هاي الكترونيكي و كتابها در بارور كردن آنها تلاش مي‌كنند تا جايي كه اوج اين فعاليتها به فتواهاي تكفيري هم رسيده است، مفاد قرآني نقش قابل توجهي در رويارويي با اين منحرف كننده‌هاي مباني حقيقي علم دارند. همچنين در اينجا در تبيين معناي صحيح معلومات قرآني نياز مبرمي به قرآنيون مي‌باشد و بايد با استفاده از همان ابزارهاي اعمال شده در جبهه مقابل به كار گرفته شود، زيرا هدايت منتشر نمي‌شود مگر از جايي كه گمراهي رواج يافت، خداوند سيد شرف الدين را رحمت كند.

9. بي توجهي‌هاي فراواني كه در محيط خانواده نسبت به قرآن شده است اين است كه قرآن كريم در داخل خانواده و در ميان فرزندان كم رنگ شده است تا جايي كه هيچ تلاش و توجهي به قرآن كريم نمي‌شود و اين در ذات خود مسئله‌اي بحراني است كه منجر به تشكيل خانواده ضعيف قرآني مي‌شود. بنابراين نقش تقريبيان در رسالت قرآني شان اين است كه خانواده‌اي صالح و نسلهايي پاک سرشت تشكيل دهند و اين

مهم با تكيه بر روش مذهبي معيني به وجود نمي‌آيد بلكه با معنويت قرآن و امكان پذير است.

10. اگر خوب دقت كنيم چالشهاي ديگري مي‌يابيم كه نيازمند توجه بيشتر است ولي آنها را به پژوهشگران ديگر و فرصتهاي ديگر اختصاص مي‌دهيم.

والحمد ﷲ رب العالمين

[1] - سورة هود: 120.